

# پی‌آمدهای سیاسی-فرهنگی حماسه ۱۵ خرداد

در شماره‌های گذشته خواندیم:

(۱) بیدایش قله‌ای بلند از جریانی دیگر

(۲) بالایش نهضت از ...

(۳) تشکل نیروهای انقلاب اسلامی

(۴) دگرگونی در ذائقه سیاسی مردم

(۵) تحول در ذائقه فرهنگی جامعه

(۶) نزدیکی حوزه و دانشگاه

و اینک:

پیرامون فرصت‌طلبیها



مبارزه با آهنگی دیگر - که در تاریخ معاصر ایران بی‌سابقه بود - آغاز شده بود. رژیم پس از کشتار مردم و رویارویی با مرجعیت، دیگر مشروعیتی نداشت. خون شهیدان مظلوم حماسه خرداد می‌جوشید، و در جوشش آن، فضای جامعه و ذائقه سیاسی و فرهنگی جامعه دگرگون می‌شد. نسل بالنده حوزه و دانشگاه پس از جدایی دیرینه، همدیگر را پیدا می‌کردند...

دریغا دریغ که در پاسخ به نیازهای نوین ناشی از این تحول، اینجا و آنجا دیگ طمع آزمندانی به جوش آمد و فرصت‌طلبیهای فردی و گروهی از هر سو آغاز شد و گاه دامن پاك نهضت را به لکه‌هایی آلود و زمانی تشکلهایی را - به نام هدایت جنبش و حمایت خلق! - و در واقع در جهت منحرف ساختن آن، شکل داد!

در این میان، بیدایش گروههای چپ و چپ‌گرا که با شعار مبارزه مسلحانه و با جاذبه‌ای تند و فریبنده به صحنه می‌آمدند، نگرانیهایی را سبب می‌شد، که مباد خون شهیدان مظلوم حماسه خرداد، به آسیای الحاد سرازیر گردد!

ما، رسالت هیچ پیامبر و سفیری را از این قانونمندی مستثنی نخواستیم که: تا

پی گیری آرمانهایش را آهنگ کرد، اهریمن در آن چیزی افکند.<sup>۱</sup> آری، جریان هر بعثت با گل و لای فرصت طلبانه اهریمنی همراه بوده است؛ و این قانونمندی فراگیری است در فلسفه تاریخ - که در بیان قرآنی به آن اشاره شده - و اندیشیدن به آن، مجال دیگری می طلبد؛ و در راز این قانونمندی، نکته ها نهفته است که با آن می توان گشودن گرههایی را توفیق یافت. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قانونمندی حاکم بر تاریخ، مستثنی نبود. همین که با فریاد و آتش و خون، فضای سیاسی و فرهنگی کشور، دیگر شد و زمینه برای حرکت فراهم آمد، مدعیان از هر سو سربر آوردند و نغمه ای ساز کردند. پیدایش تشکلهای بیگانه با خط انقلاب اسلامی، پس از ۱۵ خرداد را، در نگاه یادآوران چنین تحلیلی پذیرفته است.

در اینجا دو نکته دیگر شایان تأمل است:

۱- در این مقطع، تحرك اصلی از آن جریان چپ گرا است که ریشه اصلی آن به حزب توده راجع است.

۲- شواهدی در دست است که مثلث شومی از ساواک، سیا و کا-گ-ب بر تشکل نیروهای مبارز بیگانه با خط حماسه ۱۵ خرداد، سایه انداخته بود. سیطره بر جنبش مردم ایران، از اهداف مهم کا-گ-ب بود و برای ساواک و سیا - که بر تمامی تحرکات به ظاهر کنترل کامل داشتند - با تحقق چنین هدفی، سرکوبی جنبش بسیار آسان بود.

با پژوهش پیرامون مکانیسم این مثلث شوم و سلطه اهریمنی آن بر نهضت اسلامی مردم ایران - که ریشه های فتنه های پس از پیروزی انقلاب را، عمدتاً در آن باید جستجو کرد و تلاشی خستگی ناپذیر می طلبد - کلید تحلیل بسیاری از رویدادهای انقلاب اسلامی ایران را - پیش و هم پس از پیروزی - به دست محقق تاریخ می دهد که دست یافتن به آن، از آرمانهای یادآوران است.

۱. قرآن کریم، سوره ۲۲ آیه ۵۱.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی